

قرآن، هادی مومنان و گمراه کننده فاسقان

قرآن کریم مظهر اسم «هادی» و «نافع» است. مؤمنان را هدایت می‌کند، شایستگان و فطرت‌مداران را سود می‌بخشد...



قرآن کریم مظهر اسم «هادی» و «نافع» است. مؤمنان را هدایت می‌کند، شایستگان و فطرت‌مداران را سود می‌بخشد. در مقابل، اهل کفر و نفاق و کسانی که شهوت و غضب حیوانی خود را بر فطرتشان حاکم ساخته، آن را به خاموشی کشانده‌اند و استعداد حق‌باوری خود را تباه ساخته‌اند، قابلیت هدایت قرآن را ندارند و چون حق را نادیده می‌گیرند و در برابر آن می‌ایستند، گمراهی آنان بیشتر می‌شود و قرآن برای آنان، به جهت مرض درونی و خبت باطنی‌شان، بالعرض مایه ضرر و ضلالت می‌گردد. قرآن مانند خورشید تابانی است که دارندگان چشم سالم از نور آن بهره می‌گیرند و راه را از چاه بازساخته، به سوی هدف خویش روانه می‌شوند؛ ولی اگر کسی چشمی ناسالم داشته باشد، نه تنها از نور آفتاب سودی نمی‌برد، بلکه همان نور هدایتگر و انرژی‌زا، سبب افزایش نقصان دیدگان او می‌شود تا به کوری مطلق برسد.

خدای سبحان درباره تأثیر گونه‌گون قرآن نسبت به افراد بشر چنین می‌فرماید: یضلّ به کثیراً و یهدی به کثیراً و ما یضلّ به إلا الفاسقین؛ (1) خداوند به وسیله آیات کتاب حکیم خود گروه فراوانی را گمراه، و عده زیادی را هدایت می‌کند، و تنها کسانی را گمراه می‌سازد که فاسق و منحرف باشند.

این دو جمله یضلّ به کثیراً و یهدی به کثیراً سخن خداوند است. (2) کثرت نیز در این جمله نفسی است، نه نسبی؛ یعنی قرآن از یک سو مؤمنان واقعی را کم می‌داند؛ و قلیل من عبادی الشکور (3) و از سوی دیگر می‌فرماید: خداوند عده زیادی را هدایت می‌کند؛ و یهدی به کثیراً. از این دو تعبیر برمی‌آید که مؤمنان به خودی خود کم نیستند، لیکن هنگامی که با کفار سنجیده می‌شوند، شمارشان نسبت به کافران اندک است. بنابراین، کافران هم کثیر نفسی‌اند و هم کثیر نسبی، ولی مؤمنان فقط کثیر نفسی‌اند. کثرت مؤمنان را به گونه دیگر نیز می‌توان بیان کرد:

أ. ایمان حکمت است؛ چنان‌که خداوند پس از ذکر برخی معارف حکمت نظری و بعضی احکام حکمت عملی، می‌فرماید: ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة (4)؛ یعنی آثار نظری و عملی اسلام حکمت الهی است.

ب. حکمت از سنخ کوثر است و قرآن کریم از آن به «خیر کثیر» یاد کرده است؛ یؤتی الحكمة من یشاء و من یؤت الحكمة فقد أوتی خیراً کثیراً (5)

ج. مؤمنان بر اثر بهره‌مندی از ایمان و عمل صالح، از حکمت بهره‌مندند و حکیمان اهل کوثرند و کوثر هر اندازه باشد، کثیر است. از این رو مؤمنان افزون بر کثرت کمی، به لحاظ درون گروهی خود و بدون سنجش با دیگران، از کثرت کیفی و معنوی ویژه‌ای برخوردارند که کافران و منافقان متکثر از آن کثرت کوثری محرومند. گوشه‌ای از این مطلب بلند را زمخشری در این شعر بازگو کرده است:

إنّ الکرام کثیر فی البلاد و إنّ کثروا (6)

1 - سوره بقره، آیه 26.

2. برخی هر دو را کلام کافران پنداشته‌اند و بعضی فقط جمله نخست را؛ البحر المحیط، ج 1، ص 125.

3. سوره سبأ، آیه 13.

4. سوره اسراء، آیه 39.

5. سوره بقره، آیه 269.

6. کشاف، ج 1، ص 118.

هدایت در قرآن ، ص 107-109.